دولت‌نامه علمی-پژوهشی حديثی-پژوهشی
سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

عبدالله بن ابي رافع
و كتاب السنن والاحكام والقضايا

محمد كاظم محمتي

چکیده:
در میان تألیفات کهن امامی، کتاب السنن والاّحادیث والقضايا نوشته عبدالله بن ابي رافع، اثر شناخته شده‌ای بوده و متن کتاب به صورت مستقل تا قرن چهارم و شايد قرن یك هم وجود داشته است؛ با اين حال، در حوادث حديثی موجود امامی، خاصه كتب اربيع، روایتی از کتاب مذكور نقل نشده و در ديگر کتاب‌های حديثی امامی نیز تنها سه روايت که در طريق آنها نام عبیدالله امده، نقل شده است. در نوشتار حاضر، استدلال شده که احتمالا کتاب وی به قبیل، همان کتاب السنن والاّحادیث والقضايا محسوب قبیل قبیل (نحوی ۱۵۱) است، که متن عرضه شده کتاب ابی رافع بر اساس نظر ایرانی و افروزيان به روایت ایشان بر کتاب مذكور توسط محمد بن قیس بجلی بوده است.

کلیدواژه‌ها:
عبدالله بن ابي رافع، محمد بن قیس بجلی، كتاب السنن والاّحادیث والقضايا.

kazemr112@gmail.com

* استادیار بیان دانشگاه زاهدان - علوم اسلامی
مقدمه: عالمان امامیه و مسئله وثائق احادیث

همگام با سنت تدوین احادیث، محدثین و عالمان امامی، با مسئله بررسی اعتبار احادیث
تدوین شده و یا نسخه‌های مختلف برخی آثار مواجه بوده‌اند. ابولاعاس احمد بن علی
نظامی (مطوف ۴۵۰) در مواردی به این گونه نسخه‌ها که تحریرهای آن‌ها با یکدیگر
تفاوت داشته با عبارت الله کتاب تخریب اروا به عنوان (نظامی، ۱۴۷۷، ص ۱۳۰ و ۱۳۱) و
گاهی نیز به تفاوت نسخه‌های کتاب مانند این کتاب تخریب اروا به عنوان (نظامی،
ص ۵۲) کتاب تخریب/یکتختی روایات به (نظامی، ص ۱۴۷) این کتاب رویه جامعه
یکتختی روایات به (نظامی، ص ۱۴۷) و با در توصیف نوادر محمد بن اسحاق (مطوف
۲۱۷) فاما نوادر و تخریب اروا به عنوان (نظامی، ص ۵۲) اشاره کرده است. این نوح، استاد
نظامی در اشاره به نسخه‌های مختلف کتاب
حسن بن سعيد که تحقیق مختلف و متن‌های بسیار مختلفی نسخه‌ای که لازم
است تا هر نسخه جدایی روایت شود تا تحریرهای مختلف کتاب با یکدیگر در
آیمیت‌های نشود (فال ابن نوح: فی جاب آن ترویج عن کل نسخه مانند این روا به
فقط، لا تحصل روایت علی روا و لا نسخه علی نسخه، لائی پرخ در اختلاف) (نظامی،
ص ۱۰) به واقع، عالمان امامی به جای بررسی وثائق تک نت احادیث، به نسخه‌های
آثار و راوی آن‌ها نویج خاصی داشتند؛ ظن حسن نسبت مذکور تفاوت‌هایی نیز در
مرکز مختلف شیعی داشته است؛ برای مثال، محدثین قمی، خاصی مشاها شیخ صدقی
حسسیت خاصی به عالمن واقفی داشتند و آثار حديثی تدوین شده در عراق را به
استاد واقفی روایت نمایندگان در حالی که محدثین عراقی روابط گسترده‌ای با عالمان
واقفی داشتند؟

شیوه فهرستی این کتاب بوده که برخی از عالمان امامی که طریق روایت آثار نیز به
آن‌ها نتوانسته می‌شد، آثاری به نام "فهرست" که در آن به ذکر مرویات خود و طرق
روایت مکتوبات حديثی پرداخته بودند، تأثیف کردند و در آن فهرست‌ها، طریق
روایت آثار در روایت خود را ذکر کرده‌اند. به واقع، تحریرها و نسخه‌هایی که در
فهرست مذکور یاد می‌شده، معتبرترین تحریر از تألیفات حديثی بوده، و طریق مذکور نیز
معبترتین طریق روایت آثار مذكور، همچنین بر اساس برخی شواهد موجود، روایان
آثار نیز تنا روایتگر صرف نبود، و گاه برخی از نسخه‌های روایان، خاصه کسانی که
شناخت داشتند، نسخه‌ها را نپذیرفتند. از دیگر نسخه‌ها تفاوت داشته است. نمونه‌ای از این دست،
کتاب الحج معاویه بن عمر ذهبت است. نسخه‌ای از کتاب الحج، در اختیار ابن بیهق
قلم بوده که در فهرست خود از آن تام برد است (همان، ص41) مورد اشاره دارد.

نتایج مورد اشاره درباره برخی از آثار امامی به نحو مستند قابل ارائه است: برای
مثال: یکی از تحریرهای مشهور نسخه‌های کتاب الحج معاویه بن عمر دهی، به روایت
و تهذیب ابن ایب عمر بوده است (رک: آل مکی‌سی، ص148). این بخش
اعظم کتاب الحج معاویه در دست است. و به سیصد روایت آن در منابع بعدی
(رک: مداررسی، 1394، 7، ص292-327) امامی نقل شده (فرهنگستان این روایات. رک: کلینی،
که برخی روایات کتاب مفصل و در حد چندین صفحه است (رک: نمونه رک: کلینی،
1375، ج4، ص548-545). دیگر نسخه مندام و نسخه معاویه بن عمر، نسخه
صنفوان بن ایبی بوده است که ظاهر تفاوت ویژه با نسخه ابن ایب عمر داشته است.
هرچند مشتمل بر احادیث بوده که در نسخه ابن ایب عمر آن احادیث ذکر نشده است.
(رک: آل مکی‌سی، ص148، ص145، کتاب الحج
معاوا، را به طریق فهرست ابن، ولید قلم نقل کرده است که مشتمل بر طریق ابن
ابی عمر و صنفوان بن ایبی بوده است. کلینی، نسخه ابن ایب عمر را به روایت علی بن
ابراهیم از پدرش از ابن ایب عمر در اختیار داشته و، وعده با این نقل قول کرده است.
(رک: خومن، ص320، ص148) همچنین کلینی، نسخه کتاب الحج معی '('
به روایت صنفوان بن ایبی را به طریق محمد بن اسماعیل بن فضل بن شاذان در اختیار
داشته و، وعدهما روایات خود را به صورت ترکیب دو طریق ذکر کرده است (رک: کلینی،
همان، ج1، ص436 و 142)

تحریرهای دیگر نیز از کتاب الحج معاویه بن عمر در میان اصحاب مندازه بوده، و
روایاتی از آنها نقل شده است (رک: آل مکی‌سی، ص145، ص123، ص245، ص240، ص235
420-238، 141)، نسخه‌ای از کتاب الحج معاویه بن عمر دهی که در

اختیار أحمد بن محمد بن خالد برقی بوده، به روایت یحیی بن ابراهیم از پدرش بوده که ظاهرتاً به دلیل در بر داشتن برخی روایات شاذ و گاه تشهبیه، نسخه‌ای متناول میان اصحاب نبوه است. برای نمونه‌ای از روایات شاذ تحیر رک: برقبی ۳۳۱ش. نسخه‌ای از ۲۶۶ص (۲۶۶ص از دیگر نسخه‌های متناول کتاب الحج معاویه، نسخه حماد بن عیسی و فضاین بن ابوبکر بوده است. (رک: همان، ص۲۳۸ص ۲۴۱و۲۴۶ص۲۴۸ص) با این حال نسخه‌ها، ثروت مختلفی در نقل نیز داشته‌اند که توجه اصلی محققان بعدی، نقل طريقه‌ی معبرتر بوده است. به‌عبارهٔ علیه توثیق کتب و نسخه و روانی و تدوین آن نیز بوده است. طبعاً در کنار اختیار داشتن مؤلف کتاب، اهمیت طرح اتصال به مؤلف نیز، ارزش و اعتبار فراوانی داشته است، و اینکه چه کسانی در طريق روایت کتاب بوادان نیز به اعتبار کتاب می‌افزوده، همچنان که نسخه‌ای خاص در میان تحریرگاه گاه متفاوت برخی آثار اعتبار ویژه‌ای می‌یافتند است. یا چنین می‌یافته است که توجه چند میان امام‌های طبق تاریخ فرصتهای را شاهدی، و این مطلب علت‌های توصیف فهرست فراوانی از نسخه‌های اولیه را در دو فهرست مهم بایق مانند: امام‌های عنی فهرست شیخ طوسی و نجاشی نیسان می‌دهند.

از عالمان امامی که می‌دانیم فهرستی از آثاری که در روایت حدیث تألیف کرده‌اند، می‌توان به سعد بن عبد‌الله اشعری قمی (متوفی ۲۹۹/۱۳۰۰ق. خمینی بن زیدان دققان کوفی (متوفی ۳۱۰ق) که توجه اصلی، او روایت اصول کهن و اولی امامی بوده، محمد بن جعفر بن احمد بن بُطَمی قمی و احمد بن عبدالواحد مشهور به ابن غیظون (متوفی ۴۳۲ق) اشاره کرد. نکته مهم حاصل روبرو کردن، توجه به تحیرهای کتاب و نسخه‌های حدیث بوده، و گاه به نظر مرسید، که اساساً به دلیل همین نوع نگاه، اثری مورد توجه قرار می‌گرفت، و برخک اثری دیگر به دلیل عدم ذکر در میان فهرست از سنت روایی امامی کنان نهاده می‌شد است. طبق روایت آثار نیز همگی فراوانی داشته است، گاه نسخه‌ای از یک کتاب که توسط یکی از اصحاب ائممه پیشین تدوین شده بود، توسط اصحاب ائممه بعدی در اختیار امام قرار می‌گرفت، و نسخه‌ای که امام اصلاح می‌کرد،
عبيدانه بن ابی رافع و كتاب السنن والاحکام والقضايا

جایگزین اثر پیشین می شود و به دلیل جایگزین محوری امام، استعیوبی بود که در نسخه جدید، طریق روایت نسخه نیز تغییر می یافته، و نسخه به حjom امامی که کتاب بر ار عرضه شده بود، نسبت داده می شد. این مطلب را می توان درباره كتاب السنن و الاحکام و القضايا عبيدانه بن ابی رافع نشان داد و علت عدم وجود روایت از كتاب مذکور را با سلسله استادی که نام عبيدانه در آن باشد، توضیح داد.

عبيدانه بن ابی رافع

عبيدانه بن ابی رافع صحابی و كابنت علي مکّی از باران مشهور آن حضرت است که در دوران حکومت ایشان، يکی از کارگزاران حكومتی بوده است. وی فرزند ابی رافع، غلام مکارم شهید و مولی پامبری، و مادرش سلمی است و بر اساس همان سن تولد می‌باشد. در میان اعراب در ذكر پدران موالی، به دلیل مشخص نبودن تبار آنها، نام پدرش در منابع ذکر شده است (رک: ابن سعد، 504، ج 4، ص 145-147).

تاریخ، 155) درباره تاریخ تولد او اطلاع مشخصی در منابع نیامده، و تنها بر اساس شهادت به عنوان کابنت، معرفی می‌شود. در حداقل سنی که برای انجام کاری که می‌توان تصور کرد، تعیین حداکثر سنال پسند می‌رساند یا کمی بیش از آن به دنبال آمده است. همان گونه که گفته شد، ابی رافع بین دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) نش مهیمی داشته و بیضمه همراه ایشان بوده و در نبردهای مختلف حضور داشته است. (خطیب بغدادی، 1422، ج 12، ص 5) برگی (1422، ج 4، ص 136) نام او را در جمله اصحاب حواری حضرت امیر ذکر کرده، و به خطا او را مانند از معرفی کرده، حال اینکه ابی رافع در اصل، فردی قطبی بوده است مگر آنکه تعبیر مذکری، تصحیفی از مصری باشد که به واسطه عطا در تصحیح كتاب برخی رخ داده باشد، و در
متن اصلی کتاب برقی مصري که اشاره‌ای به اصل قطعه آریافه است، آمده‌باشد (Modarresi, 2003, v.1, p. 22). وی پس از شهادت امام علی(ع) همچنان کتاب امام حسن(ع) ناشی ماند، و پس از کتابهایی امام حسن(ع) از خلافت هرمز به آن حضرت به مدتی بازکنست. و ظاهرانه تا آخر عمر خود در مدتی ناشی ماند، و به همین سبب به مدتی نیز شهرت یافت. (مری، 1424 ق، ج 19، ص 173) وی از پدرش، علی بن ابی طالب(ع)، ابتدا، نقل حديث کرده و از امام علی(ع) و امام باقر(ع) و امام مجتبی(ع) سماع حديث کردند. (خطیب بغدادی، 1423 ق، ج 12، ص 75/5 و 1424 ق، ج 19، ص 234) و در مانع رجایی سنی و شیعه توپیق شده است. (برای نمونه رک: این سعد، 1405 ق، ج 6، ص 185، ج 8) بیاباد الله، علی، صاحب فرزندانی به نام‌های عبدالله و حسن است که گاه شرح حال آن‌ها با فرزندان و نوازگان عبدالله در هم آمیخته است. (برای شرح حال مختصر از خاندان ایرواقه رک: شوشتری، 1410 و 2006، سید، مری، 1424 ق، ج 19، ص 77) و علی نیز کتاب و عده‌دار بیت‌المال حضرت نیز بوعد، (سید، مری، 1424 ق، ج 19) و ماجرا مشهور این تاریخ جوهری از بیت‌المال توسط امام کلیا، توسط او نقل شده است. (شهابی، انتشارات، 1390 ق، ج 10، ص 151 و 152/150، شوشتری، 1410، ج 1424-1424 ق، ج 1، ص 130 و ج 7، ص 280 کس نجاویش، 1424 ق، ج 6) که کهر گردیده را به نقل از عبد اللال بن ابی رافعه نقل کرده است) خاندان ایرواقه به دلیل روابط نزدیکی که با ایوبی‌ها داشتند، بیکی از مانع مهم برا ی اطلاع از سیره ایشان بوهد و همچون مورد پرز جوی دیگران بوهداند (Modarresi, 2003, v.1, p. 22، no. 82).
کتاب السنن و الاحكام و الفضائلی عبیدالله بن ابی رافع

شیخ طوسی (۱۹۹۳ ق. ص۱۳۰۰) در ذلیل شرح حال عبیدالله بن ابی رافع، از آن‌ارش به‌کتاب‌یا عنوان فضائل امیر المؤمنین اشاعر کرده، و طریق خود را در روابط کتاب‌یا مذکور ذکر کرده است. نجاشی (۱۴۰۳، ص۳) عنوان کتاب را السنن و الاحکام و الفضائلی ذکر کرده و به تفصیل می‌نامد از اثر اخیر سنن گفته است که خود نشان دهنده جایگاه کتاب در سرت روایت شیعیان به نحو عام است. دو عنوان متفاوت در معرفی اثر مذکور، این پرسش را به ذهن متیب‌دار می‌کند که آیا دلیل خاصی وجود داشته که شیخ طوسی، عنوان کتاب را الفضائلی ذکر کرده و نجاشی عنوان تفصیلی تری آورد؟ هرچند شیخ طوسی، آغاز کتاب را به صورت روشنی نقل نکرده، به نظر می‌رسد که متن مورد اشاره او، بخشی از همان متن مورد اشاره نجاشی باشد که به دلیل شهرت کتاب الفضائلی بخش مذکور به صورت جداگانه نیز لحاظ می‌شود. و بنابر اصلی نگارش چنین کتاب می‌گردد درباره فضائل‌های امیر المؤمنین بوده است. ۱۱ یک احتمال، آن است که ذکر عنوان کتاب به عنوان کتاب الفضائلی از باب شهرت یافتن بین‌شیره کتاب به نام اخیر که نه‌زام به بخشی از کتاب بوده است. باشد. در هر حال کتاب الفضائلی بخشی از همان کتاب السنن و الاحکام و الفضائلی است که نجاشی (۱۴۰۳، ص۳۰۰) به عنوان اثر تعلیفی ابی رافع بیان کرده است. گفتگوی است که بخشی از سنند روایت نجاشی در نقل کتاب مذکور با سنند شیخ طوسی (۱۴۰۳، ص۲۳۰) بکسان است. کتاب با توصیف درباره نماینده‌ای امیر المؤمنین بوده است. فضائلی امیر المؤمنین بوده است.

نجاشی، آغاز کتاب را در یک تحریر متناول کتاب که به روایت ابی علیه (متفقی)

۱۳۳۹ بوده، چنین نقل کرده است: » عن علی بن ابی‌طالب علیه السلام که کان إذا صلی

قال فی اول الصلاة ... و ذكر الكتاب إلى آخره بابا بابا الصلاة والصيام والنجوم والزکات و الفضائلی(۱۴۰۳، ص۳) نجاشی اشاره کرده که کتاب مذکور، سلسه سنند روایت دگری داشته که آن نیز در میان اصحاب کوفی متناول بوده و طریق مذکور را آورد است. و روی این نسخه من الكوفین ایضاً زید بن محمد بن جعفر بن المبارك يعرف
باوند آبی ابیاس عن الحسن بن الحکم الحبری قال: حدثنا حسن بن حسن باسناده.

نکته چالیب توهی آن است که طریقی که نجاشی ذکر کرده، ظاهراً طریقی زیادی است. سورای آنکه طریق نجاشی به تحریر اخیر به صورت وجدیده است و این مطلب، نشانگر آن است که محدثان امامی به تحریر مذکور توجه نداشتند، نسخه مذکور به روایت زید بن محمد بن جعفر بن مبارک کوفی مشهور به ابن ابی ابیاس (متفق:۳۴۱) است که کتاب را عن حسین بن حسن جیبی (متفق:۲۸۱) عالم و محدث نامور زیدی کوفه سماع کرده است. نجاشی به نقل از مشایخ خود (ذكر شیوخنا) اشاره دارد که تفاوت اندکی میان دو نسخه کوفی کتاب السنن وجود داشته است. هر چند تحریر نخست که به تعییر نسخه روایت شده ابوبکر ابن عقیق شناخته می‌شد، کامل تر بوده است.

(همانجا)

اطلاعات نجاشی درباره ابیوعاف و فرزندانش کمی آشکار است و البته ابن اسکال ممکن است نه از سوى نجاشی، بلکه به واسطه اشکال در کتابت و استناد نسخه‌ی از فهرست نجاشی رخ داده باشد (شوخی، ۱۴۱۱، ص ۷۸۷) هر چند به نظر می‌رسد نسخه‌ای مذکور به واسطه منبع نجاشی، مقتب س از کتاب النسخه‌ای از مطالب درباره ابوعاف و خاندان او بوده است. نسخه طوسي (۱۴۲۱، ص ۲۸) از اثر ابن عقیق کمی مختلف است کتاب النسخه‌ای (در) ذکر من روی الحدیدت ضمن التویج که منبع اصلی نجاشی در نقل یخش اعظمی از مطالب درباره ابوعاف و خاندان او بوده است. نسخه طوسي (۱۴۱۱، ص ۷۸۷) از اثر ابن عقیق کمی مختلف است کتاب النسخه‌ای (در) ذکر من روی الحدیدت ضمن التویج که منبع اصلی نجاشی در نقل یخش اعظمی از مطالب درباره ابوعاف و خاندان او بوده است. نسخه طوسي (۱۴۲۱، ص ۲۸) از اثر ابن عقیق کمی مختلف است کتاب النسخه‌ای (در) ذکر من روی الحدیدت ضمن التویج که منبع اصلی نجاشی در نقل یخش اعظمی از مطالب درباره ابوعاف و خاندان او بوده است. نسخه طوسي (۱۴۱۱، ص ۷۸۷) از اثر ابن عقیق کمی مختلف است کتاب النسخه‌ای (در) ذکر من روی الحدیدت ضمن التویج که منبع اصلی نجاشی در نقل یخش اعظمی از مطالب درباره ابوعاف و خاندان او بوده است. نسخه طوسي (۱۴۲۱، ص ۲۸) از اثر ابن عقیق کمی مختلف است کتاب النسخه‌ای (در) ذکر من روی الحدیدت ضمن التویج که منبع اصلی نجاشی در نقل یخش اعظمی از مطالب درباره ابوعاف و خاندان او بوده است. نسخه طوسي (۱۴۱۱، ص ۷۸۷) از اثر ابن عقیق کمی مختلف است کتاب النسخه‌ای (در) ذکر من روی الحدیدت ضمن التویج که منبع اصلی نجاشی در نقل یخش اعظمی از مطالب درباره ابوعاف و خاندان او بوده است. نسخه طوسي (۱۴۲۱، ص ۲۸) از اثر ابن عقیق کمی مختلف است کتاب النسخه‌ای (در) ذکر من روی الحدیدت ضمن التویج که منبع اصلی نجاشی در نقل یخش اعظمی از مطالب درباره ابوعاف و خاندان او بوده است. نسخه طوسي (۱۴۱۱، ص ۷۸۷) از اثر ابن عقیق کمی مختلف است کتاب النسخه‌ای (در) ذکر من روی الحدیدت ضمن التویج که منبع اصلی نجاشی در نقل یخش اعظمی از مطالب درباره ابوعاف و خاندان او بوده است. نسخه طوسي (۱۴۲۱، ص ۲۸) از اثر ابن عقیق کمی مختلف است کتاب النسخه‌ای (در) ذکر من روی الحدیدت ضمن التویج که منبع اصلی نجاشی در نقل یخش اعظمی از مطالب درباره ابوعاف و خاندان او بوده است.
عیدالله به ابی رافع و کتاب السنن والاحکام والقضايا

شوشتری, ۱۴۰۰ - ۱۴۱۹ ق. (۱۳۰ ص. ۱۳۰): هرچند شوشتری (همان ج. ۲۷۹) معنی است که معنای گفته نجاشی آن است که همان گونه کتابی داشته، فرزندش نیز کتابی داشته است. با این حال، این نکته نیز مسلم است که منبعی که نجاشی برای شرح حادعیدالله از آن بهره برد، تصویر روشی از عیدالله داشته، زیرا نجاشی به جای عیدالله ای ابی رافع، علی بن ابی رافع دیگر فرزند ابوالفقیه کرد، و ابی رافع: عبارت حضرت عرفی قرد، و گفته که وی کتابی در فقه و نماز و دیگر ابیواب فقهی تدوین کرد که به موضوع توصیف دیگری از همان کتاب السنن است، و این موضوع از همان دوباره نشان داده می‌شود، مسجد مسلمین سنده است، و این مسجد به عنوان کتاب به‌طور کامل مورد استفاده در همان دوران شناخته شده‌است. و گاه کتاب عیدالله به روایت وی و برادرش نیز محل استفاده بوده است.

نجاشی (۱۴۰۰ ق. ص. ۲-۷) در ادامه مطالعه خود درباره عیدالله که به نقش از کتاب التاریخ این عقیده است، طریق خود در روایت تحریر اخیر را که در مبانی علویان مدیونه رواج داشته، و در مبانی کوفینان نیز شناخته شده بوده، نقل کرده است. آغاز نسخه مذکور نیز با توصیف نماز علی (س) با تفاوتی اندکی از نسخه دیگر کتاب السنن که نجاشی معنی کرده، آغاز می‌شده است. سلسله سنده مذاکر، افتادگی نیز داشته (نبران حرشاپوری، ۱۴۱۹-۱۴۰۹ ق. ص. ۱ ص. ۴۵۰-۴۵۰ همین سلسله سنده را نقل کرده، اما مذاکر افتادگی آن نشده است) و ابوحمد عبدالرحمان بن محمد بن عیدالله بن ابی رافع به عنوان کتاب علی (س) و روایه کتاب معنوی شده است. طبیعی است، او کتاب را از پدرش محمد بن عیدالله از جتخذ عیدالله بن ابی رافع روایت کرده است (Modarresi, 2003, v.1, p. 28, no. 91) هرچند محتمل است که اشکال اختیار نیز بعدها و در استناد کتاب فهرست نجاشی رخ داده باشد. تحریری از کتاب السنن عیدالله در مبانی علویان مدیونه، خاصه علویان زیدی و سادات حسنی رواج داشته است. روایت کتاب توسط عیدالله بن حسن که از چهارهای برخاسته سادات حسنی مدینه بوده، بر شهرت کتاب نیز افزوده است. علویان مدینه، کتاب عیدالله را که مشتمل بر یک دوره فقه بوده است، به فرزندان خود تعلیم می‌داده‌اند (نجاشی،
دو فصوله حديث‌ی‌روهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

۱۴۰۷ ق. ص ۷) عیدان به حسن، زمانی که فریدی درباره تظاهرات از مطلبی پرسبیده بود، برای پاسخ‌دادن به پرسش گفته بود تا کتاب عیدان به اسیرافع را نزدش بیانرسد، و از روی آن کتاب پاسخ داده بود. عمر بن محمد بن عمر بن علی بن حسن، کتاب مذکور را به سلسله سند دیگری که نام عیدان به اسیرافع در آن نیست، به طریقی نقل از پدرانش به خود امیرالمؤمنین ((sa) روایت کرده که از تحریب وی، دو نسخه در دست بوده که تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر در متن و سلسله سند داشته‌اند. روایت آغازین کتاب که در متن اهل سنت به کرات نقل نیست، با توصیف نامز بیانر آغاز شده است. کتاب ابوبقیف در قرن چهارم و پنجم، ظاهرأه به نام کتاب فضایای امیرالمؤمنین علیه السلام شهرت داشته است.

کتاب عیدان به اسیرافع در میان زیدیان (زک: هفتمان، ص۷) و اسلام‌یافتن نیز شناخته شده بوده، و قاضی نعمان غزی (متوفی ۳۳۳) از کتاب مذکور به عنوان یکی از مبانی خود در تألیف کتاب «الباطل» استفاده کرده است و یکی از اساطیر و عالماً زیدی، محمد بن سالام بن سبیل کوفی روایت کرده، از کتاب مذکور نقل قول کرده است. همچنین عالم نامدار زیدی، ابوالباس حسینی (متوفی ۳۵۹) نیز در کتاب شرح الاحکام (شرحی بر کتاب الاحکام) در تألیف الاحکام و الحرام تألیف الهادی این مطلب حکم و فقهی زیدی درگذشت به سال ۲۹۸ (روایاتی از کتاب عیدان به اسیرافع، که از متن آن را نزد ایوبیز غیسی بن محمد علوی (متوفی ۳۲۲) عالی و محقق نامدار زیدی ساکن در ری خوانده است، به روایت حسن بن حکم حبیری از حسن بن حسین غریبی از علی بن قاسم کندری از محمد بن عیدان به علی بن اسیرافع از پدرش از جدش که همان علی به مطلبی در طول مسیر کتاب کتاب عیدان به اسیرافع، نشان دهنده تبون سلسله استادی است که تشنگر نقل از کتاب وی در سنت امامی بهشید، و این مطلب با توجه به شهرت کتاب، امر غربی است. بررسی که آهنگی قابل طرح است، آن است که چرا محدثان امامی، توجه کنند و روایت کتاب سنن و الاحکام و الفصایای عیدان به اسیرافع نداشته‌اند؟
ابراهیم نیا، بزرگداشت و نگاه‌گیری و اکیفیت، ماهنامه انجمن تاریخ و ادبیات اسلامی، تیر 1385، شماره 8، ص 19-42.

محمدرضا سیدی خوانساری، شرایط اجرای قوانین در دوران اسلامی، دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه تهران، 1385، ص 147.

محمد بن قیس و کتاب القضايا

شهرت اصلی او به دلیل نگارش کتابی با عنوان قضايا امیرالمؤمنین علیه السلام بوده که در آن، وی اخبار مربوط به قضاوات های امیرالمؤمنین را گردآوری کرده است. (Modarresi, v.1, p.346)

یوسف بن عقیل و فرزندش عیب بوده (نجاشی، 1403، ص 233) هر چند تحریر مداوی مرانت طلخانه امیرالمؤمنین، تحریز عاصم بن حمید بوده است (طوسی، 1420، ص 140)

صد 41 و در میان واقعی کوفه تحریز اخیر روایت می‌شده است. (نجاشی، 1347، ص 64) به روایت بیگی در روایت کتاب بیگی ذکر کرده که متنه به عاصم است. اما در میان سلسله سندرم روایت، نامی از رجال واقعی نیست. تحریز کتاب به روایت عید، در میان زیدیان کوفه نیز تداول داشته و عیب بین عقیده رواجی (منویی، 1450) عالم و محدث تنور زیدی کوفه آن را روایت کرده است. طوسی در شرح حال عید بن محمد بیگی گفته که عید کتابی داشته که آن را از یک روایت می‌کرد. است. در ادامه، طرف روایت خود به کتاب مذکور را ذکر کرده و آغاز آن را چنین نقل
کرده است: "آقای عیسی بن محمد بن محمد بن قیس الباجی، عربی، قال: عرضدا این کتاب
علی ابی جعفر محمد بن علی بن الحسن بردا، فلان; این کتاب بیان بن آبیطالب بردا، این
کان یکی: این صلی قال فی اول الصلاة... و ذکر کتاب" (1420، ص 930-380)

افشاد مذکور به آغاز کتاب قضاوای افرادیموق شیعین مقدم بعد از این کتاب
کرده، همان کتاب الباجی و الاعتراف و القضاوای افرادیموقین علیه السلام یواد است.
همجنت نشان دهنده آن است که محمد بن قیس، نسخه ای از کتاب عیسی بن ابی رافع
را در میان علییان مذهبی شهرت فراوانی داشته (همان، ص 7 و مورد تایید امام
پاک تایید قرار گرفته، اساس تغییر کتاب خود قرار داده، و احکامی از امام باقر به
نقل از امام علی بر کتاب افزوده است. بعداً عزالرمعمن بن ابی نجع‌که خود
یکی از روانیکات قضاوای محمد بن قیس بوده، نسی مطالبی بر کتاب افزوده، و تحریری
دیگر از همان کتاب را ارائه کرده بود (همان، ص 145) که تحریر دیگر در میان روان
تما و تعریض تدارک داشته است (همان، ص 143). عباد بن عقود نیز در تایید کتاب
قضاوای برای نقل از کتاب مذکور رواجی برک مغربی (145، ص 145، ص 144 و 18) خود
از کتاب محمد بن قیس به روایت عزالرمعمن فیه بدست گرفته است (برک: همان، ص 14)
60 نسخه از کتاب قضاوای افرادیموقین محمد بن قیس به روایت عزالرمعمن بن
ابی نجعی که مستند بر زیادت یا بر کتاب بوده، توسط ابراهیم بن هاشم به قلم برده

روایات فراوانی از کتاب قضاوای محمد بن قیس الباجی در میان کتاب حديثی امامی
براکده است که عمداً به روایت عاقلی بن حمید عتیمی (سیرا تمامیه رک: کلینی،
1365، ج 5، ص 145 60 2 و 197، ص 11، ص 7، ج 8، ص 30 و 177) این باوبیه،
1414، ج 3، ص 20-21) و به طور این نقلها در کتاب مسند محمد بن قیس الباجی
تأیید به تفرد مقدمین (قم: مرکز عالمی دانش‌های اسلامی، 1409) آمده
است. 60 نسخه از کتاب قضاوای افرادیموقین محمد بن قیس به روایت عزالرمعمن بن
ابی نجعی که مستند بر زیادت یا بر کتاب بوده، توسط ابراهیم بن هاشم به قلم برده

116
دو قصائده حديثی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان 1391
عبدالله بن أبي رافع و كتاب السنين والاحكام والقضايا

شده، وشيخ صدوق (414 هـ، 636-637هـ) أثر مذكور رايت به نام أن به
همين طريق: يقول محمد بن حسن بن ولد، شيخ قيمان وطريق أنها به إبراهيم
ابن هاشم روايت كرده است. (إن بابوية: 1417، ص 57).13

في صورتي ك حديث آخر درست باشة، علته عدم توجه و نبود روايتي را كه در
سجله سند أن نام عبد الله بن أبي رافع أمه باشة، مي توان دريفنت و توضيح داد. في
حقيقت من أننا ك تحريري تأيد شده، أزكار روايت ابن أبي رافع توسط لمحمد بن قيس بجلي روايت شده، عالمان و محدثان امامي تحرير ندوين شدة ابن
ابي رافع را كنها، وتحرير بجلي را بر أن ترجيح دادان. عدم ذكر نام عبد الله في
سجله سند روايت آخر نيز كاملاً مشخص است، زرا اني نظر عالمان امامي. اتصال
روايت كتاب مذكور به نقل من امام بفارقه است، و نبازي به اتصال سند به امام
على نداره. مطلب آخر به وضح، تأيد كندة ابن نظر است ك عالمان و محدثان
امامي به دليل تغرش فهارس خود، از من تحرير ها كنها مختلف كتاب، تحريري را كه
معترف بوده، انتخاب مي كردها و مؤلفان فهارس نيز توجه مهمي به طريق و تحريرها
معترف أنثار روايتي داشتنا. نبود روايتي من كتاب السنين والاحكام والقضايا عبد الله بن
ابي رافع به احتمال قوي، متأثر من نغمه فهارس عالمان امامي بوده است.10

نمونيا دينار من بين روكردي در مي اصحاب فهارس امامي، كتابي از محمد بن
مسلم (متوفر 150) است. في فهارس امامي، كتابي با عنوان ارزيماة مسألة في أبواب
الحلال والحرام به ونسبة داده شده است. مدرس طباعيا في متوفر كتاب
ارزيماة مسألة محمد بن مسلم اشاره كرده به خطيب بغدادي من كتاب را كه يك جزء
توصف كرده (كراسا)، به طريق متصح به حرزه بن عبد الله السجستاني في درست داشته
است. خطيب بغدادي در دليل شرح حال حرزه بن عبد الله الأزدي السجستاني نوشته است:
"حرزه بن عبد الله الأزدي السجستاني: شيخ من شيوخ الشيعة. روى عن زارة بن أعين، و
محمد بن مسلم الثقفي. حدث عنه: صفوان، و عبد الله بن عبد الرحمن الأصم. أنا علي بن
أبي علي المعدل، نا أبو بكر أحمد بن عبد الله الدورى"10، نا أبو سليمان أحمد بن نصر بن
سردار حسن بن شیخون، بن عبادالله، بن عباس. در مقدمت این کتاب، شریعت و حفظ هنر، بهر و تابستان 1391

سعید و یعنی بابن هریمان، پسر علی بن نینون می‌باشد که به‌عنوان سیراحی در این کتاب به‌عنوان همانی استفاده شده‌است. محمد بن الحسن ابن شیخون، ابن عبادالله، بن عباس. در مقدمت این کتاب، شریعت و حفظ هنر، بهر و تابستان 1391

منتی که خاطرات بی‌باپدی آغاز آن را نقل کرده، همان منبی است که شیخ صدوق در کتاب خصائص خود، روایت کامل آن را ارائه و در دیگر آثار خود، بخشی به آن را نقل کرده است. این شخص به‌عنوان ترددی را که خاتم‌الانثو در باب یکی نیوزن، کتاب از عمل‌های مسئله محسوب، به‌عنوان یکی از تالیفات این کتاب به‌عنوان یکی از تالیفات این کتاب استفاده شده، بنیان‌گذاری دیگری که سلسله استفاده نقل کرده خطب در بر دارد، طریقی است که او ذکر کرده که این به دو سنت امامیه و البته به‌عنوان یکی از اصول فهارس امامیه در مورد توجه نیزو است که دلیل آن نیز مشخص است. افراد مذکور در طریق روایت شده، ابراهیم بن سلطان‌الامری و محمد بن الحسن بن شیخون بصری به سنت از جریان‌های فکری خاص امامیه، تعلیم دارند و طبیعی است که اصل فهارس کتاب را به طریق دیگری اشکال آن روایت کرد، و در فهارس خود یک کتاب به‌عنوان در حقیقت، توجه خاص اصول فهارس و طریق‌های ارائه شده در دو کتاب فهارست شیوخ طوسی و نجاشی و بخش مشیله من لی جوهره الفقه، شیخ صدوق، طریق‌های عالی روایت‌های آنان کهک امامیه است؛ هرچند طریق‌های دیگری نیز در روایت آثار مذکور موجود بوده است.

نتیجه‌گیری

بررسی موردی کتاب السنس و الاحکام و الفضایای عبیدالله بن ابی رافع، یکی از شیوه‌های تدوین احادیث در سنت امامیه را نشان می‌دهد. در حالی که کتاب عبیدالله بن ابی رافع،
عیادانه بن ابی رافع و کتاب السنن و الاحکام والقضايا

اثری شناخته شده در ستون عام شیعان بوده، نیود سلسله سنده که نام عیادانه در آن آمده باشد، علت خاصی دارد. به واقع، نسخه‌ای از کتاب او توسط محمد بن قیس بجلی بر امام باقر عرضه شده و پس از تألیف امام، محمد بن قیس بجلی، اثر مذکور را با حذف نام عیادانه به نحو مستقیم از امام باقر هم امام علی روایت کرده است. در حالی که در میان اهل ستون حذف استاد به این نحو موجب تضعیف اثر می‌شود، در سنت شیعه چنین امری به اعتبار اثر می‌فزاید. احتمالاً به دلیل آنکه محتوای امامی به این عمل واقف بوده‌اند، تحریر اخیر را به نسبت خود تحریر عیادانه بن ابی رافع، صحتی تر می‌دانستند، و به همین سبب به نقل از تحریر اخیر اکتفا کردند، و از تحریر عیادانه بن ابی رافع، که نام وی در سلسله سنده آن آمده است، نقل نکرده‌اند.

پی نوشته‌ها:

1. در تألیف مقاله حاضر، از درس گفتارهای آیت الله سید احمد مدنی- دام ظله (جلسه چهاردهم) موجود در مؤسسه کتابشناسی شیعه استفاده شده است؛ هرچند مستند مطالب بیان شده، از نویسنده مقاله است. از دوست گرامی جناب آقای حمد باقری دانشجوی دکتری علوم حديث دانشگاه تهران نیز که از سر لطف نوشته‌های خواده و نکاتی را مانکد، شجاعت، صمیمانه تشكر می‌کنم. همچنین این نکته را مانکد می‌شوم که بسیاری از مبانی که در مقاله حاضر، آنها را بپذیریم، فرض کرده‌اند. توسط برخی از قدما از جمله شیخ حسن صاحب معلم در منطقه‌های مردم و شیخ بهایی در مشرق شمیران وراکسیر السادات بیان شده است. از علما معاصر شیعی نیز، مرحوم آیت الله سید محمدعلی محمد باقری- طاق تاریم (خصوصی) در کتاب به‌حیات المقاوم تهیه، شکاف و ایت الله سید موسی شبیری زنجانی- دام عربی این مبانی را در برخی مکاتبات و درس‌های شفاهی خود بیان کرده‌اند.

2. تفیلسفا و علمی بن سلسطه در مقاله‌ای جدایی‌با عنوان «عالمان امامی و میراث وافقه‌من» بررسی قرار گرفته است.

3. فهرست مهم که قبل از فهرست شیخ طوسی و نجاشی تألیف شده است، این اثر به فرم و فهرست این عهدون اهمیت خاصی دارند. این مکاتب (1878ق، ج۲، ص۲۴۹) نسخه‌ای که از فهرست این عهدون به خط احمد بن محمد ودار با تاریخ کتابت ۴۱۴ را دیده، و محتمل
اسلامالله و مراسم حضرت محمد ﷺ از این standpoint برای خانگی و راحتی مورد مطالعه قرار گرفته است.

سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴، در این استان، مطالعه‌ای دیگری در این زمینه انجام شد که در آن سه نوع اصل از جملاتی که در شواهد باشند، بررسی شد. این مطالعه نشان داد که این جملات در شواهد باشند.

ویژهٔ این استان به مطالعهٔ شرایط جامعه و منابع مختلفی از جملاتی که در این مطالعه انجام شد. این مطالعه نشان داد که این جملات در شواهد باشند.

ویژهٔ این استان به مطالعهٔ شرایط جامعه و منابع مختلفی از جملاتی که در این مطالعه انجام شد. این مطالعه نشان داد که این جملات در شواهد باشند.
۱۱. دریافت تاریخ درگذشت ابورافع، در منابع اختلافاتی به صنعت مخربدار است. این سعدا (۱۴۰۵ ق)، ص ۷۵ بدون اشاره به تاریخ دقیقی، نیما از درگذشت ابورافع در مدتی پس از قتل عثمان می‌گوید.

۱۲. ابن قیثمه (۱۴۰۱ م)، ص ۱۴۰، تقریب كرده که در دوران امارة عمرو بن سعید بن عاص، عبدالله در بیانگر به تریش و آموزه مبنیه که از این پیامبر بوده مولوی کیست، بیان داد بوده که مولوی رسول الله است و واتی دستور داد عبدالله را شاگرد برزند و پس از تحلیل که یکصد ضریح ش لها به شفاعت پرادرخ او را رها کرده.

۱۳. شیخ طوسی از نواه عبیدالله با عونان مولوی باد کرده که اشکاریه به وائی ایز نسبت به اهل بیت است.

۱۴. به احتمال قوی، کتاب القضاایی ابراهیم بن هاشم قیمی، در اصل، مینیتی بر خوش اخیر کتاب عبیدالله بن ابی‌رافع بوده است. (درک نجاشی، ۱۴۰۷ ق)، ص ۱۷) همین احتمال دریافت کتاب قضاایی امیرالمومنین عبیدالله بن احمد بن عمار طالب نیز قابل طرح است. (درک: همان، ص ۲۴۹) با این حال، به دلیل عدم نقی از آثار مذکور در کتب ابراهیم، امکان بررسی احتمال مذکوری نیست.
هجینی رک: حسینی جلالی، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418، ص 1418，
122

عیدالله بن ابراهیم و کتاب السنن والاحکام والاقواص

19. در سلسله استاد تحریر اخیر، نام عمر بن محمد بن عمر بن علي بن حسین ذکر شده است.

منهجی 1407ق، ص 38 در شرح حال امامِ خامس حکم رافعی که او از نوادگان ابراهیم

معروف کرد، گفت که او کتابی داشته و سلسله استاد خود در نقل اثر مذکور را نقل کرد است. هرچند نقلی از من و اخیر در دست نیست و نجاشی، آغاز اثر مذکور را هم نیافته بود، اما سلسله استاد روایت متن، همان سلسله استاد روایت خیر مفصّلی درباره ابراهیم است که نجاشی

(1407، ص 58 درباره ابراهیم نقل کرد است. احتیال فراوانی وجود دارد که اثر مذکور

تحریری دیگر از کتاب السنن والاحکام والاقواص ابراهیم به همراه مطلبی تکمیلی توسط

اسلسله بن حکم رافعی بوده باشد.

Modarresi, v.1, p.32-39

فاطمیان، کتابخانه‌ای مفصل داشتند و اکنون بر اساس کتاب اقتدار می‌دانم که منابع زیادی و

اما در اختیار قاضی نعمان بوده که باید آن منابع را از همین کتابخانه فاطمیان اخذ کرد،

(راو: آمین فرآیندی سید، ص 1419ق، ص 33، 32، 31، 30، 29، 28، 27، 26، 25، 24، 23، 22، 21، 20، 19، 18، 17، 16، 15، 14، 13، 12، 11، 10، 9، 8، 7، 6، 5، 4، 3، 2، 1)

21. کتاب شرح الاحکام ابوالعباس حسینی در دست نیست، و نقل‌های اخیر از شاگردش علی

بن بلاه املی (مовоی قرآن نجم) که از ابتدا با عنوان شرح الاحکام تأیید کرده، اامده است.

(راو: عجیری، ص 1423، ص 45-54، ص 35-38، ص 1372، ص 371، ص 370، ص 369، ص 368، ص 95، ص 75)

(روایت اخیر از کتاب الحکایات عباد بن عقرق رواجی است که مبنی بر کتاب عیبان بن ابراهیم بوده است) و 12 روایت اخیر در هفستی که مدرسی از روایات

موجود کتاب عیبان بن ابراهیم اورده، نامه است.

22. در هفستی است، که مدرسی از موقت‌الکاتب اخیر از کتاب، به جز سه نقل آن هم در

کتاب‌های هیچ‌که از کتاب ابراهیم نام است و مصادر معتبر حذیفه شیعه به جمع نمی‌خورد.

23. اثر دیگر مشهور عیبان بن ابراهیم، کتاب نسمیه من شدید مع علی به حریره مصنوع المجانین و

الاصغر است (برای تام‌های مشابه کتاب با اختلافات اندکی رک: این شهرآباد، 1360، ص 72، 71، 70، 69، 68، 67، 66، 65، 64، 63، 62، 61، 60، 59، 58، 57، 56، 55، 54، 53، 52، 51، 50، 49، 48، 47، 46، 45، 44، 43، 42، 41، 40، 39، 38، 37، 36، 35، 34، 33، 32، 31، 30، 29، 28، 27، 26، 25، 24، 23، 22، 21، 20، 19، 18، 17، 16، 15، 14، 13، 12، 11، 10، 9، 8، 7، 6، 5، 4، 3، 2، 1) که در آن عیبان، هفستی از مصایب به که همه‌ها با علی (Modarresi, vol 1، ص 72، 71، 70، 69، 68، 67، 66، 65، 64، 63، 62، 61، 60، 59، 58، 57، 56، 55، 54، 53، 52، 51، 50، 49، 48، 47، 46، 45، 44، 43، 42، 41، 40، 39، 38، 37، 36، 35، 34، 33، 32، 31، 30، 29، 28، 27، 26، 25، 24، 23، 22، 21، 20، 19، 18، 17، 16، 15، 14، 13، 12، 11، 10، 9، 8، 7، 6، 5، 4، 3، 2، 1) در سه نبرد جمل، صفین و تهران حضور داشتند، از این که هفست است (برای بخش درباره کتاب

نسبی به نگری: به 272-273، ص 32، 31، 30، 29، 28، 27، 26، 25، 24، 23، 22، 21، 20، 19، 18، 17، 16، 15، 14، 13، 12، 11، 10، 9، 8، 7، 6، 5، 4، 3، 2، 1) مذاکر را در کتاب شرح الاحکام خود به صورت و جاده که نقل کرد است. او اثر مذکور را به

صورت و جاده و به روایت ابراهیم به سلام بن سیار کوفی که عالم زیادی بوده بدون
ذکر کامل سند نقل کرده است. (در کتاب: همان، ج. 2، ص. 16) در تحریر مورد استفاده فاضل عثمان، عون بن عبدالله بن ابی رافع از پدرش درباره نام کسانی که همراه علی دیگری در نبردی بودند. پرستش کرده است و احتمالاً متن نیز توسط عون بن راوای که اثر مذکور را از روی روایت کرده، بعنی محمد بن عبدالله بن ابی رافع تدوینش را بانی داشته است. (در کتاب: طبری، ج. 3، ص. 272 و 273) این احتمال نیست که اثر مذکور تدوین دیگری نیز داشته که محمد بن عبدالله بن ابی رافع بعداً نقل کرده باشد. خود، مطالب بیشتری را که از پدرش در خصوص مطالب مذکور شنیده، تأیید کرده و نسخه مذکور تحریر دیگری از متن باشد که طبری (یا همان، ج. 3، ص. 14، ص. 51، ص. 35، ص. 97، ص. 199، ص. 203 و 217) تنوشت مذکور را در اختیار داشته و مطالبی از این نقل کرده است. (در کتاب: همان، ج. 3، ص. 57) مطلبی به واسطه طبری نقل کرده، اما در سلسله سنند از نام محمد بن عبدالله بن ابی رافع افتاده است.

موزی، ج. 3، ص. 50 (در کتاب: عساکر، ج. 15، ص. 248) این عساکر (15-1414) ق. خ، ج. 5، ص. 030) کتاب مذکور را به طریق کتاب و به چند طریق از ایبگانان محمد بن علی نرسی و طریق وی، عبدالله بن ابی رافع نقل کرده است. ظاهراً اثر مذکور در اختیار ابن ابی فتحوب و در کتاب این اثر نقل کرده مخالیف اثر مذکور نقل قول کرده، هرچند احتمال دارد که نقل قول وی از کتاب مذکور به واسطه و شاید به واسطه نقل های آمده از کتاب مذکور در کتاب المعمجم الكبير طبری (با منبعی دیگر) باشد. (در کتاب: همان، ج. 3، ص. 32)، فاصله نمی‌باشد اثر مذکور در بعد توسط برخی روایت یک کتاب تکمیل شده است. (به عنوانی در کتاب: همان، ج. 3، ص. 32)

24. شیخ صدری (موفی 381 ق) تحریر کتاب را برای عبد الرحمن بن ابی نجیب از عاصم بن حمید از محمد بن قسیم را در اختیار داشته و در دویاهی تکیه در اثر مذکور را در کتاب سنی لا پیچیده اثره نقل کرده است. اما چنین است: ابن باهیه، ج. 2، ص. 132-134 (درباره پایان ماه رمضان با رؤیت هلال) و 169-179 (دو روایت دیگر در همان موضوع)؛ ج. 3، ص. 19.50 (علم پیامرس شهادت برخی افراد) 102-110 (درباره کیلسه باردار؛ 224-242) (褠وش فرندان کیلی)؛ 283-298، 182-190 (دو روایت)، 745-756 (درباره کیلی) (در کتاب: همان، ج. 4، ص. 234، 318، 123، 133، 182-187، 310، 190، 217، 300، 301، 302 و 318)

کتاب در ضمن محمد بن قسیم مشتمل بر اضافات بوده که محمد بن قسیم از امام باقر امام سامع کرده است. در خصوص موارد اختیر رک: ابن باهیه، ج. 3، ص. 283، 318، 326، 327، 337 و 338.
25. في كتاب كاملي، روآتات هبئ من كتاب بجلي أمده كه هو دو عمست قليل تقسيم است. يخش
اعظم روآتات نقل شده من كتاب مذكره يا أني أغز أست. (226) قال: قيس أمير المؤمنين... (كلبي، ج. 5، ص. 398، 411، 417، 434، 454، 576، 684، 694، 727، 836، 842، 901، 952، 1001، 1034، 1044، 1234، 1266، 1268، 1274، 1284، 1286، 1326، 1328، 1334، 1340، 1348، 1357، 1367، 1374، 1392، 1400، 1404، 1428، 1434، 1444، 1451، 1454، 1480، 1484، 1487، 1514، 1528، 1532، 1537، 1542، 1578، 1582، 1586، 1588، 1600، 1619، 1620) و ورخى دكير وا بعابر... محمد بن قيس 26. (227) دكير أثر شايخته شهدة محمد بن قيس بجلي، كتاب المسائلون (Modarresi، v.1، p.347) كه هو روآت حديد بن عاصم حباط بوه (طوسي، 1414، 1426، 1432) ويطهير بر سرشهلى محمد بن قيس من أمام باقر و امام صادق و هو نجل قهرمين. (228) (ر: كليبي، ج. 5، ص. 113 و 143) و 442، 443، 454، 454، 454، 454، 454، 454، 454، 454، 454، 454، 454، 454، 454، 454) نسخة من كتاب اختير به روآت احمد بن حسين خطمي من عبده بن يعقوب رواجني كه وى آن را يغود فردنجل روآت كرده. اب اختيار قاصي نظام مموده و هو من تغل قدره (229) (مگرب تيميمي، 1426، 1426، 1426، 1426، 1426) (هرمين به نظر مي رسدن. كه نقل اختير به واقع من كتاب القضاة محمد بن قيس باشد و ذكر كتاب المسائلن منتصحي من سوى كتاب يا خطياب من سوى قاصي نظام مه در ذكر مأخذ بوه باشد. زرنا روآت نقل شده تدارا تمار است. و به روآت امام علي باپي، (Madelung، 1976، p.37) (ابن باپي، (1414، ج. 4، ص. 86) در به خش مشيده كتاب من لا يحفره القفيه خود. طريق خود را در روآتات محمد بن قيس بجلي اورده كه احتمالا ي بوجه به لاختار روآتات كه يشيص صورت بر سر و ايحينيا حاالت جواب دادن به بر وسته را. دابه برگرهته من كتاب المسائلن بجي باشن. روآتات تندى من كتاب مذكره در مانينامه نبي موجود است. ظاهر روآنجي نيب كتابيه به نام المسائلن داشته (مگرب تيميمي، 1426، 1426، 1426) كه در آن. برخى مطالب كتاب المسائلن محمد بن قيس بجلي را نقل كرده. و قاصي نظام به واسطة اثر اختير من كتاب بجلي نقل روآت كرده است. 27. شيخ طوسي (1426، 1426، ص. 387) از تأليفات محمد بن قيس به دفتر حديثي يا اصل اشاره كرده. و طريق خود در روآت اثر مذكره را به واسطة فهرست ابن طهئ قمي ذكر كرده است. طريق مشهور دفتر حديثي محمد بن قيس به روآتات اين ابن امير بوه. (هباناچن) روآتات
دوم فصیح نسیم، مقارن و امام، شماره ۲/۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲

مذکور در ضمن کتاب مملکت محمد بن قیس الباجی گردآوری شده است. (نش در خمی، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۷۱ و ۱۸۶ و ۱۰۰۸-۱۰۱۰ ه) هم عصر محمد بن قیس الباجی، صند مکاتب دیگر با همین‌نام شناخته شده‌اند که یکی از آن‌ها یعنی ابوبصر محمد بن قیس مسیحی وابی از اشراق عرب کوهم بوده و روابط به‌سیاسی و ابری با عمر بن عبدالعزیز و پسر از ابوبصر بن عبدالله داشته است. وی نیز از امام باقری و امام صادق نقل روایت کرده است. وی کتابی به نام تفسیرای امیرالمومنین داشته که نجاشی (۱۲۵۴ ق، ص ۲۳) اثری مردی به کتاب تفسیرای محمد بن قیس الباجی دانسته که نجاشی آن است که در صورت صحبت انسان در اثر آخر به وابی، هر دو منبع در تألیف کتاب خود از کتاب عیدانه بن ابرراوفه برهانه نجاشی (۳۳۳ از ابویبند، محمد بن قیس اسیدی دیگری که از موالی بین نصر بوده، بار کرده و ارا راستنوه و مداح کرده است. شیخ طوسی (۱۴۱۵ ق، ص ۲۳۳) از محمد بن قیس اسیدی باد کرده و ارا راستنوه، اما اثری را به وی نسبت نداهد است یا با توجه به شهرت کتاب تفسیرای و اهمیت آن باعث ترددی در تألیف کتابی با این عنوان توسط محمد بن قیس اسیدی است. نجاشی (همانجا) از فردی دیگر به نام ابویبند، محمد بن قیس اسیدی باد کرده و ارا فردی ضعیف خوانه، و گفته که وی از امام باقری نقل روایت کرده و طریق خود را در نقل دفتر حديثی وی ذکر کرده است. شیخ طوسی (۱۴۱۵ ق، ص ۲۳۳) از ابویبند، محمد بن قیس اسیدی به‌کار برده است که احتمال خلقت مان آنها و افراد پیش‌گام و وجود دارند. و یک تن آن‌ها که شیخ طوسی برای وی کتاب‌های ابوقکم را ذکر کرده. همان محمد بن قیس وابی است، و احتمالاً دیگر افراد مذکور نیز همان محمد بن قیس وابی باشدند. (۱۴۱۵ ق، ج ۲۲۱، ص ۳۷۸) که به دلیل میهم بودن منبع که شیخ طوسی در دست داشته به همان صورت امداد در منبع او ذکر شده است. اشتباه بشماره‌ها نجاشی (۱۴۱۵ ق، ص ۲۳۲) مربوط شده، و محمد بن قیس اسیدی را با محمد بن قیس مسیحی بر اساس اشتباه منبع که در اختیار داشته، حالت کرده و مطلب مربوط به شرح حال مدونی را به اساس نسبت دارد (مدورسی، v.1, p.346, no.91). مدورسی (مدورسی، v.1, p.346, no.92).

است که عالمان امام‌نما محمد بن قیس الباجی را شناخته و می‌گاه از محمد بن قیس وابی نقل روایت کرده‌اند. با این حال، روابط محمد بن قیس وابی از امام علی (ع) به استاد سنی بوده و باعث شده نجاشی با منبع اکثر کتاب تفسیرای را به وی نسبت دهد، و در واقع نه‌یک کتاب به نام تفسیرای امیرالمومنین وجود داشته که تألیف محمد بن قیس الباجی بوده، و بعدها به دلیل خطای نسیم نسبت
عبد الله بن أبي رافع و كتاب السنن والاحكام والقضايا

داد شهدته كنجاساً تصريح داردو نسخة مذكور تقريباً يسكن بوداء. أنجبت غماناً نافذ رأها تأييد
مي كند. عدم إشارات منع عن رجالي أو مثال على نايار شتن كتاب توسيط محمد بن قيس والنبي
است. (ر.ك: سيد. 1404/1506 ج. 6 ص. 371 مزي، 1234/2421 ج. 362 ص. 319).

28. أبو سنغد بن عبد الله بن أحمد بن جليلن دورا ورافع عن عامي عامي ساق ببغداد است.
خطيب بغداد (322/1936 هـ، ص 376-378) شرح حال او رأو او جلسه كأو رافع
مشهور بوده (كان رافضياً مشهوراً بذلك) أو في سال 1299 هـ ودنا أرده ود رفع
دراسته است. (و: ماحت بسنن كه فهستسي از دام أن لها را خطيب بغداد (اهمان ج.
ص 376/1936) اورده، تعبق حديث كرده است. (شيح طوسی، 1424/1946، ص 77) شرح حال او رأو اورده
و تصريح كرده كأ عامي واحد و كتاب دربار طوق ورايت حديث من الشهيد داسه است. (نام
وي در طوق روايات بريخ از آثار عامي خاص في فهستسي ابن عدود بر كراث أرده است.

29. ابن جملة محترض، اضافة خطيب بغداد است. (در: سنت شيععي، قلب اميرالمؤمنين از القاب
خاص على ابن طبلط است.

30. شيخ طوسی (اهمان، ص 130/1936) في دليل شرح حال عبد بن محمد بن قيس بن جليل اورده
ك أو كتاب داشته كد: يدرش روایت مکرده است. (هرجنده: شيخ طوسی تصريحی به نام كتاب
نكرده، كتاب مورد بحث همان كتاب القضايا بوده است. (شيح طوسی، 1233/1915، ص 230 طرق
روايت كتاب مذكور را نقل كرده كد في ضمن أن جفته شهد كمحمد بن قيس بلال كتاب را بدر
ماما بادر عرض كرده و حضرت، اين مطلب كمطالب مذكور به روایت امام علي. (د. را
تأييد كرده است. و عبارات غسانين كتاب في ادامه نقل شهد كه همان عبارت اسلامي كتاب السنن و
الاحكام والقضايا عبد الله بن أبي رافع است. (نجاسی، 1427/1948، ص 9) به أن اشارة كرده است.

منابع

1. آل مكياسی، محمد عسی؛ كتاب الحج تصنيف الحداث معادن بن عمر الدهمی (نسخة
مستخرجة)؛ علوم الحديث، صال يازدهم، رجب- ذي الحجة 1428/2000.


3. ابن بابویه، محمد بن علي بن حسين (شيخ صدوقي)؛ من لا يحضره الفقهی؛ صحیحه و علق
عليه على أكبر الغفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامي 1414/2013.
4. دو قصتهای حديثی و معاصر، خالد، شماره هفتم، پاریس و تایبستان ۱۳۹۱

5. سیره: علی اکبر رضوی، ظاهیرالدین‌زاده، تهران، ۱۳۸۶میلادی.

6. ابن‌الهلالی، ابن‌الحسین، شهرالدین، تهران، ۱۳۸۴میلادی.

7. ابن‌الحکیم، ابن‌الحسین، واعظ، تهران، ۱۳۸۵میلادی.

8. ابن‌الحکیم، ابن‌الحسین، وجیبی، تهران، ۱۳۸۶میلادی.

9. ابن‌الحکیم، ابن‌الحسین، شریعتی، تهران، ۱۳۸۷میلادی.

10. ابن‌الحکیم، ابن‌الحسین، واعظ، تهران، ۱۳۸۷میلادی.

11. ابن‌الحکیم، ابن‌الحسین، وجیبی، تهران، ۱۳۸۸میلادی.

12. ابن‌الحکیم، ابن‌الحسین، شریعتی، شیراز، تهران، ۱۳۸۹میلادی.

13. ابن‌الحکیم، ابن‌الحسین، وجیبی، تهران، ۱۳۹۰میلادی.

14. ابن‌الحکیم، ابن‌الحسین، شریعتی، تهران، ۱۳۹۱میلادی.

15. ابن‌الحکیم، ابن‌الحسین، شریعتی، تهران، ۱۳۹۲میلادی.

16. ابن‌الحکیم، ابن‌الحسین، شریعتی، تهران، ۱۳۹۳میلادی.
17. ___________؛ کتاب المحاسن؛ تحقیق سید جلالالدین محمد ارموی، تهران: دارالکتب
الاسلامیه، 1370 هـ.
18. حسینی جلالی، سید محمد؛ تدریج السته؛ کم: مرکز انتشار لیبراتیرینه الاعلام
الاسلامیه، 1376 /1418 ق.ه.
19. حجی عاملی، محمد بن حسن؛ رسائل الشیعه؛ تحقیق مؤسسه آی‌لایه، لاحیاء التراث.
کم: مؤسسه آی‌لایه لاحیاء التراث، 1409-1412 ق.ه.
20. خطیبی نجفی، احمد بن علی؛ تاریخ مکتب السلام و آثار محدوده آن و ذکر قطعنامه‌ها
و ملاحظاتی که در سال‌های مختلف انجام شده‌اند. دو جلد، قم، 1407-1408 هـ، 1399-1400 هـ.
21. ___________؛ کتاب تحلیل‌های مشابهی که بر روی بازدارنده می‌شده‌است.
و اثرات آنها، تحقیق سکینه شهابی، دمشق: طلاصدار للدراسات والتوجه والنشر، 1385 هـ.
22. خوئینی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحکمت، بیروت: 1385 هـ.
23. سید رضوی، محمد بن حسن؛ خصائص الکتاب؛ تحقیق محمدرضا همینی، مشهد: آستان قیاسی پژوهی، 1350 هـ.
24. شوشتری، محمدتقی؛ قاموس الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامیه، 1410-1412 ق.ه.
25. شافعی، محمد بن ادریس، الامام بیروت: دارالفکر، 1385 هـ.
26. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقیق حمدی عبدالصمد سلیمی، ج: دار
احداث التراث العربي، 1434/1984 ق.ه.
27. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطووسی، ج: جواهر قلمی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر
الاسلامیه، 1415 ق.ه.
28. ___________؛ فهرست کتاب الشیعه و اصوله و اسامی المصنفین و الصحاباء الاصولیان;
چاپ عبدالعزیز طباطبایی، قم: مؤسسه آی‌لایه لاحیاء التراث، 1420 ق.ه.
29. ___________؛ تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، ج: حسن موسوی خرسانی، تهران: دارالکتب
الاسلامیه، 1390 هـ.
30. عجری، محمد بن حسن؛ الإعلام الأعلام بالاته الاحکام؛ آمده للطبیع و قدم عمها عبد الله بن
حمود عزیز، ماهی: مؤسسه امام زید بن علی التقلیدی، 1433/1401 ق.ه، 1399 هـ.


